

منهای فوتبال

تختی بهترین کشتی گیر تاریخ ایران



اتحادیه جهانی کشتی اسامی پنج کشتی گیر برتر تاریخ ایران را اعلام کرد که نام چهار آزادکار و یک فرنگی کار ایران در این لیست قرار دارد. بر این اساس جهان پهلوان غلامرضا تختی، حمیدسوریان، عبدا... موحد، رسول خادم و حسن یزدانی به ترتیب در رده های اول تا پنجم برترین کشتی گیران ایران قرار گرفته اند. در این رده بندی مرحوم جهان پهلوان غلامرضا تختی با یک طلا و دو نقره المپیک، دو طلا و دو نقره جهان و یک طلا و دو نقره آسیایی در جایگاه نخست قرار داد و عنوان بهترین کشتی گیر تاریخ ایران را به دست آورده است. حمید سوریان فرنگی کار سابق ایران با یک طلای المپیک، ۶ طلای جهان و دو طلای آسیاد جایگاه دوم برترین کشتی گیر تاریخ ایران جای گرفته است. عبدا... موحد آزادکار سال های دور ایران نیز با یک طلای المپیک، پنج طلای جهان و دو طلای بازی های آسیایی در رده سوم قرار دارد. رسول خادم دارنده یک طلا و یک برنز المپیک، دو طلا و یک نقره جهان، یک طلا و یک نقره بازی های آسیایی و پنج طلای آسیانیز در رده چهارم برترین های تاریخ کشتی ایران جای گرفته است. اما رده پنجم و آخر این رده بندی نیز به حسن یزدانی آزادکار حال حاضر ایران اختصاص دارد. یزدانی با یک طلای المپیک، دو طلا، یک نقره و یک برنز جهان، یک طلای بازی های آسیایی و یک طلای قهرمانی آسیاد در رده پنجم برترین کشتی گیران تاریخ ایران از نگاه اتحادیه جهانی کشتی قرار گرفته است.

رضا یزدانی می خواهد برگردد

علیرضا دبیر رییس فدراسیون کشتی در نشست بررسی چرخه انتخابی تیم ملی با خبرنگاران در بخشی از صحبت های خود با اشاره به اینکه همه کشتی گیران در هر وضعیتی اگر توانایی کشتی گرفتن دارند، می توانند طبق قانون جدید وارد چرخه انتخابی شوند، گفت: «با رضا یزدانی هفته پیش صحبت کردم. گفت تمرین می کنم و می خواهم کشتی بگیرم. او پسر خوب و قهرمان بزرگی است و امیدوارم موفق باشد. تمام ۹۷ کیلو گرم های ما باید ببینند در قهرمانی کشور کشتی بگیرند تا طبق قانون چرخه کشتی بگیرند» وی افزود: «با قانون انتخابی را در مجمع تصویب می کنیم تا قانون شود. ما می خواهیم این باب شود که اگر حق کشتی گیری خورده شد، بتواند برود شکایت کند و هر کس از جمله من اگر مقصر بودیم در دادگاه پاسخگو باشیم. حق خیلی هادر تاریخ کشتی ما خورده شده و می خواهیم روشی قانونی اجرا کنیم تا دیگر حتی از کسی ضایع نشود»

ولاسکو به ایران می آید؟

فدراسیون والیبال ایران به تازگی اعلام کرد که برای تقویت نیکمیت تیم ملی خود و پر کردن جای خالی ایگور کولکوویچ به دنبال مذاکره با خولیو و لاسکو است. رسانه های ایتالیایی مدعی شدند که و لاسکو با فدراسیون این کشور قرار داد دارد و نمی تواند راهی ایران شود. اما یکی از رسانه های ایتالیایی اخیرا در مطلبی با اشاره به پیشنهاد مسئولان فدراسیون والیبال ایران به و لاسکو نوشت که «این موضوع تنها در شرایطی تحقق پیدا می کند که و لاسکو چهار، پنج ماه مرخصی از فدراسیون ایتالیا بگیرد و گر نه نمی تواند والیبال ایران را در المپیک همراهی کند»

معروف به ایتالیا برمی گردد؟

سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران فصل گذشته با تیم بایک موتور چین به توافق رسید و راهی این تیم شد. شیوع ویروس کرونا موجب شد تا رقابت های لیگ چین برگزار نشود و به این ترتیب قرار داد معروف با این تیم چینی در آستانه فسخ قرار گرفت. در این بین اما رسانه های ایتالیایی مدعی شدند که باشگاه سیسترنابرای فصل آینده پیشنهادی را به کاپیتان تیم ملی والیبال ایران داده است. لورنزو توبرتینی، سر مربی جوان تیم والیبال سیسترنابا به دنبال حضور معروف در تیم خود است، اما هنوز این موضوع قطعی نشده است. تیم سیسترنابرای فصل آینده با ستاره هایی همچون کوین تیلیه، ارنستو کاووتو و جولوی سابی به توافق رسیده است.

درباره روزهای جنجالی داوران ایرانی

فعلا اعتراف نکنید!

وقتی فوتبال در جریان بود، داورها هر روز در معرض واکنش های تند و تیز هواداران فوتبال قرار داشتند. حالا که فوتبال در جریان نیست، باز هم حملات علیه داورها ادامه دارند و اساسا تمام نشدنی به نظر می رسند. پس از اعتراف محمدرضا اکبریان به اشتباه در جریان قضاوت دیدار استقلال و نفت آبادان در فصل گذشته، موجی از شدیدترین واکنش ها علیه این داور به راه افتاد. او حالا دیگر تا همیشه برای قضاوت دیدارهای تیم فرهادمجیدی، با مشکل مواجه خواهد بود. به نظر می رسد داوران ایرانی زمان خوبی را برای اعتراف انتخاب نکرده اند. آن هم در فوتبال که همواره سرشار از سوء تفاهم های مختلف بوده است.



آر باطاری

آن چه یک داور را تعریف می کند، صرافیت سوت زدن در زمین مسابقه نیست. یک داور حرفه ای باید بیرون زمین نیز مراقب رفتارش باشد و به سادگی به دام برنامه های تلویزیونی نیفتد. اساسا برای یک داور، هر سوالی یک پاسخ سراسرست ندارد و داورها باید

دیپلماسی لازم را برای جواب دادن به خبرنگارها و مجریان تلویزیونی داشته باشند. بدون شک همه داورها در کارنامه کاری شان، اشتباه های ریز و درشتی دارند. حتی پیرلوتیچی کولینا که یک نایب در تاریخ داور ی بود، چندین بار به تصمیم های اشتباه خود اعتراف کرد اما او این کار را در زمانی انجام داد که دیگر یک داور حرفه ای نبود و دوران ناشنستگی را

پشت سرمی گذاشت. کولینا حتی اگر در دوران داور ی نیز به اشتباه هایش اعتراف می کرد، خیلی زود بخشیده می شد اما در فوتبال ایران که اساسا همه چیز رنگی است و حتی خوردن توپ به تیر دروازه به کیل و وزیر منتسب می شود، اعتراف به اشتباه در دوران فعالیت به عنوان داور، چندان منطقی به نظر نمی رسد. این اواخر، محمدرضا اکبریان به یک

اشتباه بزرگ در لیگ هجدهم اعتراف کرده و استعفالی ها را به شدت علیه خودش شورانده است. کاری به میزان اغراق شده تاثیر این اشتباه بر سرنوشت تیم استقلال در فصل گذشته نداریم، کاری به رفتار نادرست فرهادمجیدی در اینستاگرام و فرص و حکم غلط او درباره «قهرمانی استقلال» هم نداریم، حتی این موضوع هم مهم نیست که یک

داور، شهامت اعتراف به اشتباه روبروی دوربین تلویزیون را داشته است، آنچه اهمیت دارد توجه به این نکته است که اساسا وقتی یک داور چنین حرفی به زبان می آورد، برای مدت نامعلومی از چرخه داور ی در دیدارهای آن تیم خارج می شود. همین حالا اگر اکبریان فقط یک بار دیگر قضاوت نبردهای استقلال را بر عهده بگیرد، در یابی از سوء تفاهم ها علیه او به راه خواهد افتاد. اگر این داور برای استقلال پالتی بگیرد، خیلی ها مدعی می شوند که او خواسته دل هوادارها را به دست بیاورد و اگر این داور تصمیمی علیه استقلال اعلام کند، هواداران باشگاه به شدت علیه او موضع خواهند گرفت و او را به ضدیت با تیم شان متهم خواهند کرد.

نه تنها در چند سال گذشته، بلکه شاید در دودهمه اخیر داور ی فوتبال ایران پیشرفت قابل توجهی نداشته است. البته در همین سال ها، یک کمک داور با استعداد مثل کامران فر و یک داور درجه یک مثل علیرضا فغانی داشته ایم اما این نفرات هم بیشتر از آن که محصول یک سیستم درست و حسابی باشند، محصول استعداد فردی خودشان هستند. جالب اینکه حتی داور ی مثل فغانی نیز با وجود همه توانایی ها، در فوتبال ایران به بن بست رسید و لیگ برتر را به مقصد لیگ استرالیاترک کرد. پس ما حتی اگر یک داور خوب هم به دست بیاوریم، نباید به حفظ او در این فوتبال امیدوار باشیم. برای رسیدن به پاسخ این سوال که چرا داور ی به چنین وضعیتی دچار شده، پاسخ های زیادی وجود دارد. اولین جواب، به نحوه آموزش داورها برمی گردد. به نظر می رسد این آموزش در فوتبال ایران به شکل حرفه ای و ایده آل صورت نمی گیرد. با وجود همه صحبت هایی که دائما در مورد بررسی میزان آمادگی بدنی داورها می شود، خیلی از داوران با اضافه وزن شدید بازی ها را قضاوت می کنند. مساله مهم دیگر این است که در فوتبال ایران،

بدون شک همه داورها در کارنامه کاری شان، اشتباه های ریز و درشتی دارند. حتی پیرلوتیچی کولینا که یک نایب در تاریخ داور ی بود، چندین بار به تصمیم های اشتباه خود اعتراف کرد اما او این کار را در زمانی انجام داد که دیگر یک داور حرفه ای نبود و دوران ناشنستگی را پشت سر می گذاشت

هنوز امکانات اولیه برای داورها فراهم نشده و نخواهد شد. در حالی که در بسیاری از لیگ های دنیا، از بالاترین سطح تکنولوژی نظیر وی. آی. آر برای داور ی استفاده می شود، در ایران هنوز چسب گوشی داورها سفرت نشده و دائما از جادرمی آیدانکته مهم تر اینکه تقریبا هیچ کس در ابتدای راه جوانی، داور شدن را به عنوان یک شغل رویایی برای خودش نمی بیند. با این دستمزدهای فاجعه بار برای سوت زدن در هر مسابقه که اتفاقا پرداخت شان هم دائما به تاخیر می افتد، نباید انتظار داشته باشیم که جوان ترها برای ورود به دنیای داور ی، سر و دست بشکنند. در کنار همه این مسائل، فراموش نکنیم که فوتبال ایران سرزمین سوء تفاهم هاست. اینجاست که یک آفساید می تواند ماهها بحث و جدل بین هواداران تیم های مختلف راه بیندازد. پس در چنین شرایطی بهتر است داورها به سکوت شان ادامه بدهند و یک بحث قدیمی و از یاد رفته را دوباره سر زبان ها نیندازند. یک داور در زمین مسابقه بیشتر از هر چیزی، به تمرکز نیاز دارد و چنین اظهار نظرهایی، تمرکز داورها را به طور کامل از بین می برد. در نتیجه بهتر است آنها به جای این اعتراف ها، به دنبال بالا بردن سطح کارشان در رقابت های بدنی لیگ برتر باشند.

بخشش احتمالی تعلیق فدراسیون جودو در یافت کرده ایم اما اگر این قانون به تصویب نهای برسد، به زودی محرومیت های سنگینی در انتظار ورزش ایران خواهد بود. این طرح تنها کمی به ورزش نمی کند، بلکه یک تجربه مخاطره آمیز برای اهالی رشته های مختلف ورزشی به وجود می آورد. طبیعتا وظیفه اصلی تنظیم و تهیه چنین قانونی، باید بر عهده نهادهای ورزشی باشد و بهتر است مجلس شورای اسلامی، این بخش از طرح جدید خود را به وزارت ورزش واگذار کند. روحیه آنها برای مقابله با ظلم و استکبار ستودنی به نظر می رسد اما نا اشنایی این افراد با رویکردهای ورزشی، به راحتی می تواند یک فرصت ایده آل را به یک تهدید بزرگ تبدیل کند. در ماه های گذشته، چند ستاره سرشناس را در رشته های مختلف به خاطر همین حساسیت ها از دست داده ایم. سعید ملایی که قابلیت تبدیل به بهترین جودو کار دنیا را داشت، ایران را ترک کرد و علیرضا فیروزجا که پدیده این روزهای شطرنج جهان است، بدون پرچم ایران در مسابقات مختلف ظاهر شد. حفظ این ستاره ها کار چندان دشواری نبود. تنها کافی بود در این مورد کمی انعطاف به خرج بدهیم. قانونی که حالا در آستانه تصویب نهای در مجلس است، این انعطاف را به طور کامل از بین می برد. همین حالا نیز کشورهای زیادی برای جذب ستاره های وطنی کمین کرده اند و اگر بهانه محرومیت را به دست نهادهای بین المللی بدهیم، به زودی باید هر ستاره را از پرچم یک کشور دیگر تماشاکنیم.

و اسرائیل دفاع کند و حتی به ترویج آن بپردازد، اما مشخص است که بنده ۱۳ درج شده در طرح جدید مجلس شورای اسلامی، بدون توجه به اصول و کارشناسی فنی ورزشی صورت گرفته است. فدراسیون های مختلف در این سال ها، همیشه با راهکارهایی جلوی محرومیت ستاره های ایرانی پس از حاضر نشدن روبروی نمایندگان رژیم غاصب را گرفته اند. گاهی ورزشکارها خودشان را به بیماری و مصدومیت می زنند و گاهی درست قبل از روبرو شدن با حریف اسرائیلی، شکست می خوردن تا به دیدار بعدی راه پیدا نکنند. تبدیل شدن این روند به یک قانون تصویب شده در مجلس اما موجب بروز حساسیت های بسیار زیادی علیه ورزش ایران در تمام دنیا خواهد شد. حالا اگر دست روسای فدراسیون هانیز در مجامع جهانی بسته می شود وسیله ای محرومیت ها علیه ورزش کشور به راه می افتد. از آن مهم تر اینکه دیگر نمی توان بازی نکردن با اسرائیلی ها را یک آرمان شخصی دانست، چرا که ظاهر ا به جای ملت فلسطین، ورزشکاران ایرانی باید نمایندگان مجلس شورای اسلامی را رضی کنند! اگر این بند در بررسی جزئیات نهای این طرح حذف نشود، بعید نیست ورزش ایران به طور کلی شانس حضور در رقابت های المپیک را از دست بدهد. در این صورت ستاره هایی که تا امروز سهمیه المپیک گرفته اند نیز تنها از پرچم کمیته المپیک می توانند در این رقابت ها حضور پیدا کنند. ورزش ایران در شرایط فعلی، روزهای بسیار حساسی را پشت سرمی گذارد. به تازگی سیگنال های مثبتی را در مورد

سوززه روز

رو به رو نشدن با ورزشکاران رژیم صهیونیستی «قانون» می شود

تبعات و ماجراهای بند سیزدهم!

سیزدهم، بررسی های تخصصی ورزشی نیز انجام شده است؟ در سال ها و دهه های گذشته، بسیاری از ستاره های ایرانی در دفاع از مردم مظلوم فلسطین از روبرو شدن با نمایندگان رژیم صهیونیستی در زمین ورزش صرف نظر کرده اند اما این ماجرا تا امروز یک «انتخاب» بوده و زمانی که به یک «قانون» تبدیل شود، دیگر ارزش نمادینش را از دست خواهد داد. به زودی همه دنیا از این حرف می زند که مجلس ایران ورزشکارانش را «مجبور» به اتخاذ چنین تصمیمی کرده و بدون شک این شکست بزرگ استراتژیک برای ایران تلقی خواهد شد. این بند از قوانین جدید مجلس همچنین این بهانه را به نهادهای بین المللی ورزشی می دهد که به سادگی تیم ها و ورزشکاران را در رشته های ورزشی مختلف، از حضور در مسابقات جهانی محروم کنند. نتیجه چنین اتفاقی نیز در نهایت، کوچ گسترده ستاره های ورزشی ایران به کشورهای دیگر و بازی کردن آنها از پرچم های دیگر خواهد بود. همین حالا نیز چهره های شاخصی از رشته های شطرنج و جودو را به سادگی به کشورهای دیگر داده ایم و اگر چنین روندی ادامه پیدا کند، آسمان ورزش ایران به کلی از ستاره های بزرگ خالی می شود.

قرار نیست که مجلس، از روبرو شدن نمایندگان ایران

اتفاق روز

روزهای عجیب لوکا یوویچ در مادرید

مصدوم قرنطینه!

تطبیق پیدا کردن با شرایط خاص بازی برای باشگاهی مثل رئال مادرید، یک چالش بزرگ برای هر فوتبالیستی به شمار می رود. حتی بازیکنی مثل ادن هازارد که از تیمی مثل چلسی راهی رئال شد، شروع موفقیت آمیزی در این باشگاه نداشت. اوضاع برای «لوکا یوویچ» به مراتب سخت تر نیز بود. چرا که او از باشگاهی نظیر اینتراخت فرانکفورت، مستقیما به ناپل رفت. هواداران رئال مادرید، روی مهاجم با استعداد و گلزن فرانکفورت حساب ویژه ای باز می کردند. او قرار بود مهاجم جوانی باشد که به سلطه کریم بنزما در مادرید پایان می دهد. لوکا فصل قبیل در ۴۸ بازی برای تیمش، ۲۷ گل به ثمر رسانده بود و در اوج آمادگی قرار داشت. از زمان انتقال به مادرید اما هیچ چیز

برای این بازیکن خوب پیش نرفته است. او همواره در سایه کریم بنزما بوده و در مجموع همه جام ها ۲۴ بازی برای رئال مادرید انجام داده که در صد بسیار زیادی از این بازی ها، به عنوان مهره تعویضی رقم خورده اند. این بازیکن در ۲۴ بازی با پیراهن کهکشانی ها، فقط دو گل زده و عملا یک فصل نامیدکننده را پشت سر گذاشته است. رئالی ها برای یوویچ ۶۰ میلیون یورو پرداخت کردند اما عملکرد او تا امروز، اصلا رضی کننده نبوده و زیدان نیز اعتقاد زیادی به بازی این مهاجم ندارد. میلانی ها که زوج سابق یوویچ در فرانکفورت یعنی آنته ریچچ را در اختیار دارند، علاقه مند به خرید این بازیکن هستند اما میز، هنوز از فروش او اطمینان ندارد. مربی فرانسوی پس از روبرو شدن با سبیل پیشنهادها برای این مهاجم، تصمیم گرفت یک فرصت دیگر به او بدهد اما این فرصت، با یک دلیل عجیب و باور نکر دنی از دست رفت.

خارج شدن از خانه با خرید دوخت و جدی پلیس روبرو شده بود، حالا در زمان تمرین در تراس خانه خود، مصدوم شده است! او از تراس خانه سقوط کرده و به همین خاطر دچار شکستگی در ناحیه پا شده است. حالا یوویچ برای چند ماه دور از فوتبال خواهد بود و حتی اگر رقابت های لالیگا در زمان تعیین شده از سر گرفته شود، این بازیکن ز یاد اولین فصل حضور این بازیکن در لالیگا تنها با دو گل زده به پایان می رسد و این آمار اصلا قابل دفاع نخواهد بود. در استعداد یوویچ شکی نیست اما شاید او در شرایط فعلی، آماده درخشیدن در تیمی مثل رئال مادرید نباشد.



خرید برای مادریدی ها تا حدودی به خرید ممبله توسط بارسلونا شایهت پیدا کرده است. دو بازیکن که بارقم هایی نسبتا سنگین جذب شدند و بسیار مستعد به نظر می رسیدند اما نظر مثبت هوادارها را

جلب نکردند. هر دوی آنها از پتانسیل بالایی برای درخشیدن در ترکیب اصلی تیم بر خوردار هستند اما معلوم نیست این توان بالقوه، چه زمانی در بازی آنها نیز به چشم می آید.